

افغانستان آزاد – آزاد افغانستان

AA-AA

چو کشور نباشد تن من مباد بدین بوم و بر زنده یک تن مباد
همه سر به سر تن به کشتن دهیم از آن به که کشور به دشمن دهیم

www.afgazad.com

afgazad@gmail.com

Political

سیاسی

محمد عمر قریشی- کابل

۰۶ سپتمبر ۲۰۲۳

"عاقبت جای چاه کن در چاه است!"

سه شنبه- ۱۴ سنبله ۱۴۰۲ - کابل: در یادداشت امروز مکتب کوتاهی داریم در مورد سخنان اخیر صدراعظم موقت دولت پاکستان "انور الحق کاکر". نامبرده در مصاحبه با رسانه های پاکستانی عمدتاً در دو مورد راجع به افغانستان و نظام ملاسالار نظر داده چنین گفته است:

- ۱ - «بسیاری ها در این باره می گفتند که فکر ما این است اگر طالبان در آنسوی مرز جنوبی به قدرت برسند، پس آن زمان وضعیت برای پاکستان نسبتاً خوبتر خواهد شد، اما بهتر نشده است بل بیش تر خراب شده است.»
- ۲ - «سازوبرگ های نظامی برجای مانده از نیروهای خارجی در افغانستان، سبب نیرومند شدن گروه های هراس افکن شده است.»

در آغاز قبل از ورود به بحث در مورد گفته های وی، می بینیم گوینده این جملات دارای چه شخصیتی است. "انور الحق کاکر" که اینک بعد از توطئه انحلال پارلمان جهت جلوگیری از انتخابات، توسط صدراعظم وارداتی محصول کودتای امریکائی و به اصطلاح اپوزیسیون آن زمان حاکمیت، به دستور "آی. اس. آی." مقرر شده است، یکی از قوم فروش ترین عناصر پشتون در درازنای تاریخ پاکستان می باشد. ارتش پاکستان و سازمان استخبارات آن، با شناختی که از نامبرده داشتند در این مقطع که حاکمیت ۷۵ ساله سرمایه پنجاب از دو طریق آرام، یعنی هواداران تحریک انصاف "عمران خان" و جنبش "تحفظ پشتون" و یک طریقه مسلحانه "تحریک طالبان پاکستان" بدترین روز های عمرش را سپری می نماید و امکان این که درگیری های کنونی سرانجام به تقابل قوم پشتون با پنجابی ها بینجامد در دیدرس قرار گرفته است، برای فریب و در نهایت سرکوب حرکات مسلحانه و غیر مسلحانه قوم پشتون، این شیاد را بالا کشیده اند تا بر مبنای تعلقش به تبار پشتون، به پشتون فریبی و شکستادن وحدت آن قوم نایل آمده، حاکمیت سرمایه پنجاب را تضمین نماید.

برگردیم به فرمایشات، "انور الحق کاکر!"

- ۱ - این جمله اعتراف جبونانه و غیر مستقیم به دخالت های دولت پاکستان در امور افغانستان، به منظور بهره بردن از اوضاع خراب و بد افغانستان برای پاکستان می باشد. آنهایی که چون این قلم طی بیش از ۴۰ سال و اندی که افغانستان در آتش مداخلات بیشرمانه پاکستان در امور افغانستان، با چشمان باز به قضایا نگریسته اند، می دانند که چگونه دولت پاکستان به خصوص سازمان استخبارات نظامی آن کشور "آی. اس. آی." در تمام این مدت به انواع مختلف کوشیده

است تا افغانستان و مردم افغانستان را قربانی آزمندی های سیاسی و ستراتیژیک خودشان ساخته و با گل آلوده ساختن آب حاکمیت در افغانستان، ماهی دلخواه خودشان را صد نمایند.

این که امروز ظاهراً خلاف خواست آنها روند قضایا مسیر خودش را یافته است، می تواند بیانگر همان ضرب المثل قدیم کابلی که "عاقبت چاه کن" را "چاه" دانسته، باشد. دولت پاکستان و "آی. اس. آی." که تلاش داشتند تا با فرار مفتضحانه امریکا، افغانستان را به دنباله سیاست های توسعه طلبانه خودشان مبدل ساخته، آن را "صوبه پنجم پاکستان" اعلام بدارند، اکنون متوجه شده اند که دنیا به کام آنها در حرکت نیست و علی رغم آن که نظام ملاسالار خود تا مغز استخوان تابع و نوکر و غلام پاکستان به خصوص "آی. اس. آی." است و هیچ گاهی نمی خواهد کمترین آسیبی به این مناسبات برساند، مگر توده های میلیونی دو طرف خط دیورند و نفرت عمیقی که خلقهای پشتون از حاکمیت سرمایه های پنجابی دارند، اوضاعی را به وجود آورده اند که به جای انضمام افغانستان به پاکستان به مثابه صوبه پنجم، تجزیه پاکستان به ایالت های قومی ساکن آن کشور در چشمرس قرار بگیرد.

۲- و اما در مورد تجهیزاتی که امپریالیسم امریکا حین فرار یا از روی ناچاری و یا هم به اساس توافقات برنامه ریزه شده رها نموده، گله پاکستان از آن جهت است که امپریالیسم امریکا و شرکاء در دفعات قبل، به خصوص زمانی که نقش جنگیدن نیروهایش را به حمایت قوای هوایی اشغالگر از ارتش مزدور حاکمیت پوشالی محدود نمود، به ارزش میلیارد ها دالر سلاح و تجهیزاتی را که عمدتاً برای نیروهای زمینی لازم می افتاد، همه را به پاکستان انتقال داده و به آنها تحفه داده بود.

اینبار که دولت امریکا به اساس برنامه هائی که جهت مداخله در امور آسیای میانه دارد و در همان زمینه با طالب به توافقاتی دست یافته است و در نتیجه مقداری سلاح و تجهیزات را در اختیار طالب قرار داده است، مقامات پاکستان را تب لرزه مرگ گرفته است که گویا این مقدار سلاح امنیت آنها را به خطر انداخته است.
هموطنان گرامی!

هم طالب می داند و هم دولت پاکستان، که طالب هیچ گاهی در مخالفت با ارتش پاکستان و "آی. اس. آی." دست به اقدامی نمی زند زیرا مناسبات بین آنها رابطه مخلوق با خالق است. طالب می داند که به مثابه مخلوق، وظیفه اش اطاعت از خالقش می باشد در غیر آن پاکستان یکی دیگر از جواسیسش را از آستین غدر و تجاوز بیرون نموده، آرمان ادامه حاکمیت را بر مغز های پوپنک زده طالبان نابود خواهد کرد.

دولت پاکستان با این تعزیه سرائی ها، از یک سو می خواهد تمام مشکلات ساختاری خودش را به گردن طالب و نظام ملاسالار بیندازد و از جانب دیگر، به همین بهانه کاسه گدائی اش را به امید سرکیسه کردن کشور های جهان در ملاء عام بگذارد تا ابری شود و بارانی و آن کاسه از آب حیات پرگردد.

با شعار مرگ بر طالب و نابود باد نظام ملاسالار به نبرد مان ادامه دهیم!

مبارزه علیه امپریالیسم، جزء لاینفک مبارزه علیه ارتجاع در کل

و ارتجاع هار مذهبی- طالبی به صورت خاص می باشد

تشکل و تسلیح نیاز و خواست زمان ما!